

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه صد و سیزدهم، ۱۱ خرداد ۱۴۰۱

موضوع: مسائل مستحدثه (بورس)/ ماهیت پول و ملاک ارزش گذاری آن / مثلی یا قیمی بودن پول

1- حدیث اخلاقی (گام‌ها و منازل سیر و سلوک در خطبه متقین)

«أَمَّا بَعْدُ ، فَإِنَّ اللَّهَ . سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى . خَلَقَ الْخَلْقَ حِينَ خَلَقَهُمْ غَنِيًّا عَنْ طَاعَتِهِمْ ، آمِنًا مِنْ مَعْصِيَتِهِمْ ، لِأَنَّهُ لَا تَضُرُّهُ مَعْصِيَةٌ مِنْ عَصَاهُ ، وَلَا تَنْفَعُهُ طَاعَةٌ مِنْ أَطَاعَهُ . فَقَسَمَ بَيْنَهُمْ مَعَايِشَهُمْ ، وَوَضَعَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا مَوَاضِعَهُمْ . فَأَلْمُتُّونَ فِيهَاهُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ : مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ ، وَمَلْبَسُهُمُ الْإِقْتِصَادُ ، وَمَشِيئُهُمُ التَّوَاضُّعُ .

عَضُّوا أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ، وَوَقَفُوا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ . نُزِّلَتْ أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ كَأَنِّي نُزِّلْتُ فِي الرَّحَاءِ . وَلَوْلَا الْأَجَلُ الَّذِي كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ ، شَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ ، وَخَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ . عَظَّمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغَّرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ [1].»

1-1-1، منزل بیست و سوم: بزرگ دیدن خالق و کوچک دیدن مخلوقات

در آداب و اوصاف سالکان و پرهیزگاران بر اساس خطبه حضرت امیرالمؤمنین، امام‌المتقین (علیه‌السلام)، وصف دیگری که برای سالکان و عارفان و متقیان بیان می‌کند، این است:

«عَظَّمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغَّرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ.»

خصلت دیگر اینها که برجسته است، این است که خداوند و آفریدگار، آن‌چنان در روح و جان و دل اینها بزرگ شده و جلوه کرده است که غیر از حضرت حق در چشمان اینها بسیار کوچک است؛ این تعبیر، وصف زیبایی است؛ آفریدگار را بزرگ‌نگرند و دیگران را کوچک‌نگر. ماسوی‌الله را کوچک می‌بینند. خالق نسبت به آنها، عظمت خاص دارد و مخلوق، یک کوچکی خاص است. می‌دانید دو سررشته اتصالیه آفریده و آفریننده این است که آفریننده در کمال قدرت و دانایی است و مخلوق، در کمال ضعف و نیاز است. ﴿وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا﴾ [2]. اینها خالق را می‌نگرند. اگر کسی در کنار اقیانوس پهناور باشد و از طرفی قطره آبی باشد، قطعا اقیانوس را رها نمی‌کند، به قطره آب نگاه کند. اگر کسی در روز و در مقابل آفتاب باشد، شمع کوچک توجه او را جلب نمی‌کند.

1، 1-1.1.1، آثار بزرگ دیدن خالق و کوچک دیدن مخلوقات

1،1،1- 1.1.1.1، دل نبستن به غیر خدا و زیاد شدن معرفت و مراقبت

پرهیزگاران آن چنان خدا نزدشان بزرگ است و دیگران کوچک هستند که توجه به آنها ندارند. سررشته عظمت و حقارت، در هستی است. اینها نظرشان به سررشته عظمت است. وقتی چنین شد مراقبت و عبادت و کشیک نفس و معرفتشان بیشتر است. آدم و عالم و ماسوی الله در نظرشان کوچک است. در نتیجه به ماسوی الله دل نمی بندند.

1،1،1- 1.1.1.2، ظلم نکردن به مخلوقات ضعیف

اینها خود را خیلی کوچک می بینند. این قدر کوچک می بینند و خود را در برابر عظمت خدا مسئول می بینند که اگر دنیا را در یک دست و خدا و معارف را در دست دیگر بینند، توجهی به دنیا نمی کنند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «اگر دنیا را در دست من قرار دهید که لا اله الا الله نگویم، چنین نمی کنم [3]». «بلال هم همین بود. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خطبه ۲۲۴ نهج البلاغه می فرمایند: «وَاللَّهِ لَوْ أُعْطِيَ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْلاكِهَا، عَلَيَّ أَنْ أَعْصِيَ اللَّهَ فِي نَمْلَةٍ أَسْلُبُهَا جُلْبَ (خَلْمَةَ) شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ»؛ [4] اگر تمام هفت اقلیم و آسمان و آنچه زیر آن است در دست من قرار دهید تا به مورچه ای ستم کنم و پوست جوی از آن بگیرم، چنین نمی کنم.

میازار موری که دانه کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است [5]

انسان های متقی، مورچه آزار هم نیستند.

1،1،1- 1.1.2، خاطره ای از آیت الله بهاء الدینی رحمه الله

یک روز بین الطلوعین، محضر آیت الله بهاء الدینی رحمه الله بودیم و پیش ایشان درس وافی و صحیفه سجادیه می خواندیم؛ دیدم به گوشه اتاق خیره شدند. با دستشان مورچه ای که دنبال غذا بود را راهنمایی کردند؛ فرمودند: این مورچه باید به غذایش برسد، ما هم دنبال غذای خود هستیم.

1،1،1- 1.1.3، کوچکی دنیا نزد امیرالمؤمنین علیه السلام

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در ادامه همان خطبه ۲۲۴ می فرمایند: «وَإِنَّ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لِأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمِّ جَرَادَةٍ تَقْضُمُهَا» [6].»

دنیای شما با همه ثروت هایش، نزد من از برگی که در دهان ملخی است، ارزش کمتری دارد.

در جای دیگر حضرت می فرمایند: «وَلَأَلْفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَزْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَفْطَةِ عَنزٍ» [7].»

حکومت بر شما نزد من از آب بینی بزی کمتر است.

کارگزاران ما و همه ما باید بنگریم که سیره متقین را سرلوحه کارمان قرار دهیم. توجه سالک به خداست و وجه‌الله را می‌بیند. امام راحل فرمودند: شهدا زنده‌اند؛ چون شهید به وجه‌الله نظر می‌کند. این متقی، همان مسیر تقوای الهی را می‌رود.

2- خلاصه جلسه گذشته

در مباحث بورس به خطوط قرمز معاملات غرری و ربوی رسیدیم. با توجه به بحث گذشته گفتیم معاملات، مستحده هستند و محدود به زمان خاصی، مانند زمان شارع و غیر آن نیستند. اگر منعی از جانب شارع صادر نشده باشد، می‌توانیم حکم کنیم مورد نظر شارع است. ما اکثر معاملات را این گونه می‌دانیم. همین که به منع شرعی نرسیم، برای نظر شارع کافی است. البته باید بررسی کنیم. فقیه باید آیات و روایات چندین باب را ببیند.

3- ماهیت پول در فقه و ملاک در ارزش گذاری آن

3.1- اقسام مالیت

بحثی در پول‌های زمان و ما و زمان گذشته است و آن این است که پول‌ها مالیت دارند، ولی مالیت و اعتباریت اینها در زمان‌های مختلف، متغیر است. مالیت را بر دو قسم می‌دانستیم: مالیت و ارزش ذاتی و مالیت و ارزش اعتباری. در مالیت ذاتی، ارزش کالا به نفس خودش است؛ مانند: طلا و نقره و ماشین و خانه. قسم دیگر، ارزش‌شان اعتباری است. خودشان ارزشمند نبودند؛ بلکه به پشتوانه و منشأ اعتبارشان، ارزش و مالیت دارند.

3.2- دو مبنا در پشتوانه‌ی ارزش پول

در ارزش دلار و ریال و ارزها یک نظر این است که پشتوانه اینها، طلا و نقره است. حکم اینها، حکم طلا و نقره است؛ یعنی حکم مکیل و موزون دارند و کم و زیاد گرفتن در این‌ها غیر شرعی است. نظر دیگر این است که ما نمی‌توانیم مطلقاً بگوییم پشتوانه آن طلا و نقره، یا اعتبارات دیگر است. حکم را به موضوع زمان‌های مختلف واگذار کنیم. موضوع‌شناسی در استنباط احکام، خیلی مهم است. رکن اصلی در مسائل مستحده، موضوع‌شناسی مسائل سیاسی و اقتصادی و فرهنگی است.

3.3- نقش زمان در ارزش پول و پشتوانه آن

3.3.1- پشتوانه بودن طلا و نقره برای پول در عصر شارع

پول در یک زمان، طلا و نقره بود، نه مثل طلا و نقره. پول رایج، طلا و نقره بود. صرف نظر از وزنش، ارزش داشت. با توجه به تحلیل از زمان تشریح احکام در ۲۵۰ ساله تشیع و سنت به اعتبار تسنن، در آن زمان پولی که اعتبار مالیتش، پشتوانه‌ای غیر طلا و نقره و غیر مسکوک باشد، رایج نبود. این عدم رواج، دلیل بر عدم تشریحش نیست. برخی عدم رواج و عدم وجود در زمان شارع مقدس و نزول آیات و روایات را دلیل بر عدم تشریح می‌گیرند. رواج برای زمان است، ولی تشریح برای نظر شارع است. شارع در معاملات، مَحَدِّد احکام و عقود است، نه اینکه جاعل باشد. جاعل، اهل عرف و عقلایی هستند که زندگی می‌کنند و ارتکازات آنها حجت است.

عرض ما این است که احکام و معاملات، تأسیسی نیستند؛ به خصوص بحث ربوی و غرری. طلا و نقره، حکم نقدین و معامله صرف را دارد که زیاده و نقصان، ربا است و حکم حرمت دارد.

3.3.2- پشتوانه بودن اعتبار برای پول در عصر حاضر

ولی در زمان ما آنچه رایج است، پول‌های مختلف است. ریال و دلار و روپیه و...؛ اینها جزو ارزش‌گذاری‌های ذاتی نمی‌شوند. اگر ارزش‌گذاری ذاتی شود، معامله جدید است. پول‌ها به لحاظ کاغذ، یک ارزش دارد و به لحاظ اعتبار، یک ارزش. به لحاظ موارد خاص، خرید و فروش، یک اعتبار خاص دارد.

3.3.3- سه مثال

هیچ یک از سه مثالی که عرض شد، اشکال ندارد.

3.4- قیمی بودن یا مثلی بودن پول

آیا پول‌های رایج، جزء قیمیات است، یا مثلیات؟ با اختلافی که مرحوم شیخ در تعریف مثلی و قیمی با دیگران داشتند [8]. قیمی است که ارزشش داده شود، یا مثلی که همانندش؟ اگر قیمی باشد، در تبدیل در زمان‌های مختلف تورم، روی آن حساب می‌شود؛ باید قیمتش را بدهد. وقتی قرض دهنده وام را می‌داد، قیمت پول، بیشتر بود، ولی الآن قیمت پول، کمتر شده است. کسی که خواسته خوبی کند، هم باید پولش را به دیگری بدهد و هم در بازار ضرر کند؟ اگر قیمی باشد، باید قیمتش حساب شود. ولی اگر مثلی باشد، باید مراجعه به مثل همان کند. اگر صد تومان قرض گرفت، همان را پس بدهد.

3،4- 3.4.1- مبنای مختار در مورد پول: مثلی بودن با لحاظ قیمی بودن آن

ما به این نتیجه رسیدیم که پول و ارزها، جزو عناوین مثلیات است، نه قیمی. اما این مثلی را وقتی می‌خواهیم بگوییم مثل است، ارزش زمانی را هم در آن دخیل می‌دانیم؛ یعنی مثلی‌ای است که برای قیمت آن مثلی، اعتبار و مالیتی است.

3،4- 3.4.2- آثار فقهی مترتب بر این مبنای مختار

3،4،2- 3.4.2.1- خروج موضوعی پول از ربا با توجه به این مبنای مختار و لحاظ کردن تورم

اگر چنین باشد، نتیجه این می‌شود که اگر گفتید پول به پشتوانه طلا و نقره نیست، در پول، ربا پیش نمی‌آید و در بحث افزوده‌های قیمتی که تورم را اکثر کشورهای جهان دارند، این زیاده‌ها، شاید خروج موضوعی از ربا داشته باشند؛ چرا که ربا، زیاده با توجه به مثلی بودن و هماهنگ بودن در قیمت است. به عبارت بهتر می‌شود این را گفت کسی که ارز را خرید و فروش می‌کند، گویا در هر زمانی به خصوص در زمان ما، قدرت خرید بر این ارز را خرید و فروش می‌کنند. این ارز، یک اماره و نشانه برای مبادله ارزش گذاری است.

3،4،2- 3.4.2.2- محاسبه مهریه زوجه بر اساس قیمت روز

در بحث ضمان باید بررسی شود مهریه این خانم، چند سال گذشته، صد تومان بوده، ولی الآن که حساب می‌کنیم خیلی بیشتر می‌شود. آن زمان ارزش گذاری آن به چه بود؟ الآن هم همین را حساب کنیم. پشتوانه خزانه دولت آن زمان به قدرت خرید انسان‌ها بر طلا و نقره بوده، به خصوص طلا، سکه یا شمش. گاهی مسکوکاتش هم ارزشش بیشتر است؛ چرا که اعتبار دولتی دارد. الآن خانمی که مهریه را می‌خواهد، باید به قیمت امروز بگیرد. مثلیت، با قیمت لحاظ می‌شود. اگر قیمی باشد، خروج موضوعی دارد و اگر مثلی قیمی باشد، قدرت خرید و فروش را معامله می‌کند.

4-نتیجه

گاهی یکی آگاه به تورم است، گاهی هر دو عالم، یا ناآگاه است. برخی صور، غرری می‌شود. معاملات، معهوده و منحصره نیستند. قابل زیاده و نقصان است. حصر عقلی و شرعی نیست و استقرایی است. نبود یک معامله در زمان شارع، دلیل بر عدم تشریح در زمان دیگر نیست. پول هم مثلی‌ای است که قیمت در آن اثر دارد؛ نه قیمی و نه مثلی علی الاطلاق است. مثلیت همراه با قیمت، مد نظر است.

-
- [1] نهج البلاغة، الدشتي، محمد، ج ١، ص ٢٠٤، خطبه ١٩٣.
- [2] نساء/سوره ٤، آيه ٢٨.
- [3] بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج ٩، ص ١٤٣.
- [4] نهج البلاغة، الدشتي، محمد، ج ١، ص ٢٣٤، خطبه ٢٢٤.
- [5] سعدى، بوستان، باب دوم، بخش ١٤.
- [6] نهج البلاغة، الدشتي، محمد، ج ١، ص ٢٣٤، خطبه ٢٢٤.
- [7] نهج البلاغة، الدشتي، محمد، ج ١، ص ١٠، خطبه ٣.
- [8] كتاب المكاسب (للشيخ الأنصاري) ط تراث الشيخ الأعظم، الشيخ مرتضى الأنصاري، ج ٣، ص ٢٠٩-٢١٦.